

پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان
سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۴-۵۵
اعلام وصول: ۱۳۹۲/۴/۸، پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۷

«سبک زندگی» در آینه سیره نبوی

عباسعلی مشکانی سبزواری*

چکیده

سیره پیشوایان دین (ع) و به خصوص سیره نبی مکرم اسلام (ص)، ترسیم کننده شیوه‌های زندگی، در صحنه‌های گوناگون حیات بشری است؛ ضمن آنکه یگانه راه و روش و برنامه دقیق، برای زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان و آحاد بشر است. بنابراین سیره پیامبر اکرم (ص)، به پشتوانه آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۳)، به عنوان الگوی عملی اسلام، نقطه مرکزی ارائه شیوه و سبک زندگی و الگوهای رفتاری حیات آدمی، در حوزه‌های مختلف آن است. مقاله حاضر با نگاه توصیفی می‌کوشد تا با مروری اجمالی، اثبات کند که می‌توان از پیوندی آشکار و استوار بین آموزه‌های سیره نبوی و سبک زندگی سخن گفت. نمی‌توان ادعا کرد همه الگوهای رفتاری ضروری، برای «سبک زندگی اسلامی»، به صورت کامل و آماده الگو برداری در سیره نبوی موجود است؛ اما وجود چارچوب‌های اصیل و ساختاری سبک زندگی در آن انکار کردنی نیست. بدیهی است نگاه تجویزی به سیره نبوی و ارائه الگوهای رفتاری تام و تمام، در حوزه‌های مختلف زندگی بشری، برای ارائه سبک زندگی اسلامی، در گرو رویکرد کل نگر و فقاقت حکومتی در پروسه اجتهاد و استنباط است.

واژه‌های کلیدی

سیره نبوی، سبک زندگی، الگوی رفتاری، اجتهاد فردی، اجتهاد حکومتی.

* دانشجوی دکتری فقه سیاسی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول) Meshkani.a@gmail.com

مقدمه

مسئله «دین و سبک زندگی» و به طبع آن، «سیره پیشوایان دینی و سبک زندگی» یا ارتباط «سیره پیشوایان دینی و الگوی رفتاری و سبک زندگی» و نیز بررسی نسبت بین این هر دو، یکی از مهم‌ترین مسائل ضروری و امروزی جامعه دینی است. به بیان دیگر، این پرسش که «نسبت میان سیره پیشوایان دینی و سبک زندگی و نیز الگوی رفتاری در حوزه‌های مختلف زندگی بشری چیست؟» یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها، در حوزه معارف دینی است. پیداست که پاسخ به این پرسه، بر اساس هر برداشت و دیدگاهی که باشد، بر شناخت سیره نبوی و سبک زندگی و الگوی رفتاری و نوع تعریفی که از این سه ارائه می‌شود، استوار است. از پرسه یاد شده، سه پرسه دیگر رخ می‌نماید: مقصود از سیره نبوی چیست؟ سبک زندگی چیست؟ الگوی رفتاری کدام است؟ اگر به این سه پرسه، پاسخ صحیح گفته شود، پاسخ سؤال یاد شده نیز به دست خواهد آمد. بررسی نسبت سیره و سبک زندگی، با دو نگاه توصیفی و تجویزی امکان دارد. مقاله حاضر با نگاه توصیفی سامان یافته است. بدین منظور، پس از تعریف مفاهیم بنیادین و سپس، بررسی دیدگاه‌های مختلف در رابطه با نسبت سیره نبوی و سبک زندگی، به صورت تحلیلی به رصد نمونه‌هایی از آموزه‌های مرتبط با سبک زندگی و الگوهای رفتاری، در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... از سیره نبوی خواهیم پرداخت.

مفاهیم و کلیات

سیره نبوی

«سیره» اسم مصدر از «سیر» است. «سین و یاء و راء» ریشه‌ایست که بر «گذشتن» و «روان شدن» و

«حرکت کردن» دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۰/۳). نیز به معنای رفتن و سیر کردن در زمین است (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۳۸۹/۴). بنابراین، اهل لغت در توضیح معنای آن گفته‌اند: «سیره» طریقه و هیئت و حالت است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۲۱/۳) نیز آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده‌اند و از «سیره فرد» به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوکش میان مردم تعبیر کرده‌اند (زمخشری، بی‌تا: ۲۲۶). پس مقصود از سیره نبوی، نوع و سبک رفتار و طریقه زندگی نبی مکرم اسلام (ص) است؛ همچنین مقصود از مطالعه سیره نبوی، رفتار شناسی و روش شناسی رفتار و باز پژوهشی سبک زندگی فردی و اجتماعی و نیز سیره حکومت داری و مدیریتی حضرت رسول (ص) است.

اجتهاد فردی و حکومتی

تبع در سیره اجتهادی و تأمل در اندیشه فقهاتی فقها، این واقعیت را نشان می‌دهد که همواره، دو سبک اجتهادی و دو رویکرد به استنباط معارف وحیانی و احکام الهی وجود داشته است:

الف. نگاه فرد گرایانه (فقهات فردی): این نگاه معارف وحیانی را مسئول تنظیم ارتباط انسان با خدا می‌داند و حلال و حرام‌ها و باید و نبایدها را به حوزه اعمال فردی انسان محدود می‌کند. در این نگاه، فرد دو روی دارد: رویی به خدا که علم احکام سامان بخش آن بوده و رویی به مردم و جامعه که کار عقلائی جامعه است. اهل نظر در هر جامعه‌ای، با بهره‌گیری از فرآورده‌های دانش‌های اجتماعی، نظام‌ها را شکل می‌بخشند و جامعه را نظام می‌دهند. با این نگاه، مدیریت جامعه و موضوع‌های بسیار مرتبط با زندگی بشر، از قلمرو معارف وحیانی بیرون است. سیره مرسوم فقهی در تاریخ فقهات ما، حاکمیت همین نگاه

مقررات، هنجارها و ناهنجارهای عملی و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی اسلامی، آن بخش از اسلام است که نمود عینی بیشتر و تاثیر ملموس‌تری در زندگی انسان دارد و رسالت مهم سیره پیشوایان دینی و پیامبر اکرم(ص)، در همین جا آشکار می‌شود؛ چرا که سیره نبوی به عنوان بخشی از سنت، سنت فعلی و تقریری، در عداد منابع معرفت وحیانی و آموزه‌های الهی بوده و بنابراین، عهده‌دار تبیین بخشی از مقررات و احکام و الگوهای رفتاری است. به دیگر بیان، سیره معصوم مجموعه‌ای از احکام عملی اسلام است که وظیفه «ارائه‌طریق» در تمامی حوزه‌های زندگی بشری، اعم از حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، عبادی و... را بر عهده دارد و گستره‌ای دراز دامن را شامل می‌شود. آنچه بر اهمیت این رسالت می‌افزاید این است که اسلام دین جاوید الهی است و برای زندگی انسان در همه عصرها و برای همه جوامع، اعم از مدرن و سنتی و نیز توسعه یافته و توسعه نیافته، قوانین و مقررات و الگوهای رفتاری دارد؛ هر چند تمام آن‌ها، به طور صریح، بیان نشده و نیازمند کشف و استخراج است.

درباره حجیت سیره نبوی نیز می‌توان این گونه استدلال کرد: چنان‌که در تعریف سیره گذشت، منظور از «سیره نبوی» تمام اعمال، حرکات، سکناات، گفته‌ها و اوصاف نفسانی پیامبر اکرم(ص) است که از طریق وحی انجام گرفته است. آنچه مبتنی بر وحی الهی است، حجت بوده و واجب الاتباع است. از این رو، سنت و سیره آن حضرت حجت بوده و اطاعت و پیروی از آن، اطاعت از خداوند است. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء/۲۱۸). بنابراین این دو، یعنی اطاعت از خدا و اطاعت از رسول، از هم جدا نخواهند بود؛ زیرا تمام آنچه پیامبر اکرم(ص) می‌گوید و انجام می‌دهد از

را نشان می‌دهد؛ البته این امر، نقیصه‌ای بر دامن فقاقت نمی‌نشانند، چه اینکه اوضاع حاکم بر جامعه شیعی، در طول تاریخ گذشته، چنین رویکردی را به فقه شیعی تحمیل کرده است.

ب. نگاه اجتماعی و حکومتی (فقاقت حکومتی): در رویکرد دوم، افراد به جز هویت فردی خود، تشکیل دهنده هویتی جمعی، به نام «جامعه» نیز هستند. این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است و مجتهد می‌بایست دو نوع موضوع را بشناسد و احکام هر یک را روشن کند؛ البته آن هم نه جدا از یکدیگر بلکه این دو هویت جدایی‌ناپذیرند و تفکیک این دو، زمینه کشیده شدن به نگاه اول را فراهم می‌کند. با این نگاه نیز، مباحث و مسائل و مثال‌ها به گونه‌ای دیگر خواهد بود. با پذیرش وجود یا امکان وجود فقاقت حکومتی، زمینه برای طرح مسئله‌ای به نام «فقاقت حکومتی» و به دنبال آن، «فقه حکومتی» در برابر «فقاقت فردی» و «فقه فردی» معنا پیدا می‌کند. اگر سنت نبوی را با رویکرد فردی به فحص و بررسی بنشینیم، به مجموعه‌ای ناپیوسته از رفتار و کردار دست می‌یابیم که گاه شاید، هیچ نسبتی بین آن‌ها برقرار نباشد و فقط می‌توان به آن‌ها، به عنوان فعل صادر شده از معصوم استناد و اقتدا کرد. اما، در رویکرد اجتهاد حکومتی، تمامی حرکات و سکناات پیامبر گرامی اسلام(ص) به صورت یک کل به هم پیوسته و با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی و جایگاه حکومتی حضرتش، مد نظر قرار می‌گیرد. با این نگاه کل نگرانه که در اصطلاح بدان نگاه سیستمی می‌گویند، می‌توان به معارفی به هم پیوسته و در راستای یک هدف کلی دست یافت و از آن، برای پردازش سبک زندگی اسلامی و در ادامه، جامعه سازی و تمدن سازی بهره برد.

جایگاه و حجیت سیره نبوی

اسلام دین خاتم بوده و در همه اعصار، پاسخگوی نیازهای دینی انسان است. در این میان بخش قوانین،

ناحیه خداوند است و هرگز از روی هوی و هوس نیست: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۲ (نجم، ۲ و ۳). شعار پیامبر اکرم (ص) نیز این است که: «إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ»^۳ (انعام، ۵۰). از سوی دیگر، با توجه به اینکه پیامبر اکرم (ص) برای همگان اسوه حسنه است، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۴ (احزاب، ۲۱)، پس باید آنچه ایشان برای مردم آورده است بگیرند و اجرا کنند و از آنچه نهی کرده است خودداری کنند: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۵ (حشر، ۷). این آیه سند روشنی، بر حجیت سنت و سیره نبوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۰۷/۲۳).

سبک زندگی

«سبک زندگی» از جمله واژگانی است که دیدگاه‌ها و تعریف‌های مختلف و گاه متضادی درباره آن وجود دارد. معنای لغوی واژه زندگی روشن است؛ اما در لغت‌نامه‌ها، معنای گوناگونی برای واژه سبک آمده است: نوع، روش، طرز و شیوه (معین، ۱۳۸۵: ۱۸۱۸/۲). شیوه‌ای که در آن چیزی گفته یا انجام می‌شود، شیوه و روش انجام چیزی به خصوص شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای نوعی باشد، نوع تصور و فردیتی که در افعال و سلیقه‌های شخص ارائه می‌شود، طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است، شیوه یا عادت متمایز رفتاری یا حرکت فرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۵). در تعریف «سبک زندگی» نیز با تعاریف متعددی رو به رو هستیم. در تعریفی می‌خوانیم: «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ و نیز روش خاصی از زندگی یک شخص و یا گروه». در تعریفی دیگر «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است»؛ همچنین «عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد» به عنوان تعریف برای سبک

زندگی آمده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۵). مقصود نگارنده از سبک زندگی، «روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی» و به بیان دیگر «مجموعه‌ای منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی‌شان است که مبتنی بر یک سری بینش‌ها و ارزش‌ها و برآمده از آنهاست». با این بیان، سبک زندگی شامل اموری می‌شود که به زندگی انسان، اعم از بعد فردی و اجتماعی و نیز مادی و معنوی مربوط می‌شود. اموری نظیر بینش‌ها، یعنی ادراک و اعتقادات و به بیان دیگر نظام اعتقادات و گرایش‌ها بوده، یعنی ارزش‌ها و تمایل‌ها و ترجیح‌ها و به بیان دیگر نظام اخلاقی است. در حوزه کنش‌ها و رفتارها نیز شامل حوزه‌های مختلف سیاسی (نظام سیاسی)، اقتصادی (نظام اقتصادی)، فرهنگی (نظام فرهنگی)، حقوقی (نظام حقوقی)، عبادی (نظام عبادی) و تربیتی (نظام تربیتی) است. با توجه به مباحث فوق، سبک زندگی مجموعه‌ای به هم پیوسته از الگوهای رفتاری، در حوزه‌های مختلف زندگی بشری اعم از حوزه سیاست، اقتصاد، حقوق، تربیت، فرهنگ، و... است که با عناوینی همچون الگوی رفتار فرهنگی، الگوی رفتار سیاسی و... از آنها یاد می‌شود و به طور کلی، همین الگوهای رفتاری هستند که تمامیت یک سبک زندگی را شکل می‌دهند. بنابراین، از به هم پیوستن الگوهای رفتاری مبتنی بر بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی، در حوزه‌های مختلف زندگی، سبک زندگی اسلامی شکل خواهد گرفت.

دیدگاه‌های مختلف درباره نقش سیره نبوی در ارائه

سبک زندگی

درباره سیره نبوی و نسبت آن با سبک زندگی، گستره‌ای از نظریه‌ها متصور است:

الف. انکار نسبت سیره نبوی و سبک زندگی: برخی از افراد آموزه‌های اجتماعی و الگوهای رفتاری سیره نبوی، در حوزه‌های مختلف زندگی، به جز مقوله‌های مربوط به رابطه انسان با خدا را ناشی از شأن عادی و

و ارائه الگوهای رفتاری و سبک زندگی می‌پردازند (جناتی، ۱۳۸۹: ۳۴). در مقابل، دیگرانی معتقدند فقاهت موجود میراث گرانقدر شیعه، در طول تاریخ بوده و حفظ آن واجب است؛ اما به جهاتی گوناگون، چونان که باید گسترش کمی و کیفی، در جهت اداره جوامع انسانی به خود ندیده و همواره، با دور بودن از حکومت و اجتماع، گرفتار مسائل فردی بوده است. باور این گروه این است که نگاه حاکم بر فقاهت موجود، نگاهی فردی است؛ در حالی که ما به فقاهتی نیازمندیم که با نگاهی اجتماعی و حکومتی به مسائل، به اجتهاد در منابع و معارف وحیانی و سیره پیشوایان دینی بپردازد و مسائل را نه با نگاه فردی که با نگاه اجتماعی و حکومتی، به حل و تحلیل بنشیند. از این نظریه می‌توان با عنوان «فقاهت حکومتی» یاد کرد. کسانی همچون امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله جوادی آملی و... از جمله طرفداران این نظریه هستند (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ تا ۱۸۴).

نسبت سنجی سیره نبوی و سبک زندگی با دو رویکرد

دو دیدگاه متفاوت به سبک زندگی وجود دارد: یک نگاه، نگاه توصیفی و تبیینی است که به مطالعه آنچه الان وجود دارد می‌پردازد؛ دیگری نگاه تجویزی و دستوری است که به آنچه باید باشد توجه می‌کند (کاویانی، ۱۳۸۹: ۵). به موازات این دو نگاه، در تعیین نسبت سیره نبوی و سبک زندگی، باید با دو رویکرد به مسئله نگریست:

الف. رویکرد توصیفی: در این رویکرد، با نگاه تاریخی و پیشینه‌ای، به نسبت موجود بین سیره نبوی و سبک زندگی می‌نگریم. در این مدل، در واقع بر آنیم تا نسبت‌های به وجود آمده در طول تاریخ را رصد کنیم. مقاله حاضر عهده دار تبیین این رویکرد است.

نه شأن نبوی پیامبر اکرم (ص) قلمداد می‌کنند؛ بر این اساس، حجیتی برای آن قائل نیستند، تا بتوان آن‌ها را معیار و الگو قرار داد و برای صحت الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف زندگی، به سیره نبوی استدلال کرد؛ چه اینکه در این نمونه‌ها، پیامبر اکرم همچون دیگر افراد و عقلای جامعه است و در مقایسه با دیگران برتری ندارد و به طور منحصر برتری حضرتش، در ناحیه تحمل و ابلاغ وحی است و وحی نیز در امور اجتماعی دخالتی نداشته و آن را به خرد جمعی بشر واگذار کرده است. بنابراین این گروه، رابطه‌ای بین دین و حیات اجتماعی قائل نیستند و دخالت‌های گاه گاه دین در امور اجتماعی را عرضی دین می‌دانند (سروش، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

ب. پذیرش نسبت حداقلی بین سیره نبوی و سبک زندگی: طرفداران این نظریه، بین سیره نبوی و سبک زندگی و الگوهای رفتاری، ارتباطی کلی در نظر می‌گیرند؛ یعنی معتقدند که سیره نبوی در کل با مقوله سبک زندگی و الگوهای رفتاری ارتباط دارد و می‌توان با استفاده از روح حاکم بر سیره نبوی، جهت سبک زندگی و الگوهای رفتاری را تعیین کرد؛ اما اینکه بتوان به طور دقیق، از سیره نبوی اقتباس کرد و الگوهای رفتاری و سبک زندگی را مبتنی بر آن ارائه کرد قبول نمی‌کنند (شبستری، ۱۳۷۶: ۸۸).

ج. پذیرش نسبت حداکثری سیره نبوی و سبک زندگی: طیف سوم کسانی هستند که نقش سیره نبوی، در هدایت و تکامل زندگی اجتماعی را فراگیر و مثبت می‌دانند. آنان معتقدند رسالت سیره نبوی به عنوان یکی از منابع فهم معارف دینی، (سنت فعلی و تقریری معصوم) در حوزه معیشت، سرپرستی تکامل معیشت است. در اصطلاح به این نظریه، نظریه حداکثری گویند. طرفداران این نظریه خود، به دو دسته تقسیم شده‌اند: کسانی که با فقاهت فردی و سنتی، به استنباط

رفتاری است و سیره نبوی به عنوان یکی از منابع معرفتی دین، یعنی سنت فعلی و تقریری معصوم، بخش‌های مهمی از این الگوها را ارائه می‌کند.

سیره نبوی و احکام نظام فرهنگی (الگوهای رفتار فرهنگی)

حوزه فرهنگ و نظام فرهنگی به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های زندگی اجتماعی و یکی از مهم‌ترین سازه‌های تمدن بوده و به مثابه اصلی‌ترین فصل ممیز تمدن‌ها از یکدیگر است؛ به گونه‌ای که اگر تمدنی تولید فرهنگی، یعنی توانایی ارائه نظام فرهنگی، نداشته باشد یا نتواند از فرهنگ و الگوهای رفتاری خود در این حوزه صیانت کند، هستی و چستی خود را در معرض نیستی و فنا قرار داده است. یکی از مهم‌ترین عواملی که تاکنون توانسته است هویت مستقل فرهنگی، به تمدن اسلامی دهد احکام و الگوهای رفتار فرهنگی برآمده از سیره پیشوایان دینی (ع) و سیره پیامبر اکرم (ص) است. اگر تعریف فرهنگ به «شیوه و روش زندگی»^۶ را قبول کنیم، آنگاه نسبت وثیق فرهنگ و سیره نبوی و به دنبال آن، نسبت سیره نبوی و تمدن در حوزه فرهنگ هویدا خواهد شد. چه اینکه سیره نبوی، آموزگار شیوه زندگی است. بر اساس پذیرش تعریف پیشین برای فرهنگ، در تعریفی مختار، فرهنگ اسلامی را این گونه می‌توان تعریف کرد: شیوه زندگی و الگوهای رفتاری مستخرج از متون دینی و سیره پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومان (ع). به عبارت دیگر، احکام و قوانین و الگوهایی که از متون دینی و سیره نبوی استنباط می‌شود، عاملی شده است تا جامعه و تمدن اسلامی شیوه زندگی مستقلی را دارا و از فرهنگی پویا برخوردار باشد.

در این مقاله، با اکتفا بر فقاقت موجود، درباره مناسبات سیره نبوی با سبک زندگی و مقدار دخالت آن در ارائه سبک و شیوه زندگی و نحوه دخالت آن در احکام نظام‌های اجتماعی و به دنبال آن، الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف زندگی، بحث شده است. ب. رویکرد توصیه‌ای: در این رویکرد، بر آنیم تا به صورت ثبوتی و با توجه به فقاقت مطلوب، یعنی فقاقت حکومتی که بستر نمود اجتماعی آن در پرتو حکومت دینی فراهم آمده است، بنگریم؛ سپس، مناسبت سیره نبوی را با سبک زندگی بسنجیم. به نظر می‌رسد بررسی سیره نبوی با فقاقت موجود، برای تعیین نسبت سیره نبوی با سبک زندگی کافی نباشد؛ چرا که در صورتی فقاقت موجود، آینه تمام نمای نسبت سیره و سبک زندگی خواهد بود که با نگاهی جامع و نظام وار و حکومتی، به مطالعه و بررسی سیره نبوی پرداخته باشد. اما از آنجا که فقاقت سنتی و فردی، به خصوص به علت محروم بودن شیعه از حکومت، در دوران متمادی از این نگاه محروم بوده است، زمینه توسعه و گسترش همه جانبه آن در تمام جنبه‌های زندگی بشری فراهم نشده است؛ بنابراین در اصل، برای تعیین نسبت سیره نبوی و سبک زندگی، باید به فقاقت مطلوب، یعنی فقاقت حکومتی، نظر افکند و از طریق آن، به بررسی نسبت سیره نبوی و سبک زندگی و الگوهای رفتاری پرداخت.

مناسبات سیره نبوی و تمدن

سیره نبوی و ارائه احکام نظام‌های اجتماعی

با مطالعه این بخش، به این نتیجه می‌رسیم که دین اسلام برنامه‌ای تمام عیار، برای زندگی اجتماعی است. این دین برای تمامی حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، حقوقی و... دارای برنامه و الگوی

سیره نبوی و سطوح مختلف فرهنگ

برای فرهنگ تقسیمات مختلفی ارائه شده است؛ از جمله این تقسیمات، تفکیک سطوح یا انواع فرهنگ به دو بخش است: ۱. فرهنگ عمومی؛ ۲. فرهنگ تخصصی (پیروزمند، ۱۳۸۶: ۹۷).

الف. فرهنگ عمومی و سیره نبوی: فرهنگ عمومی به معنای مجموعه نیازهای فرهنگی است که آحاد جامعه با آن رو به رو بوده و به آن مبتلا هستند (پیروزمند، ۱۳۸۶: ۹۷). آداب و معاشرت، مراعات حقوق دیگران، نظم، وجدان کاری، انضباط اجتماعی و مسائلی از این قبیل در این مجموعه می‌گنجد. مروری بر عناوین سیره نبوی در بخش‌های مختلف، تاثیر بی‌بدیل سیره نبوی بر عرصه فرهنگ عمومی را قطعی می‌کند. معارف سیره نبوی، چه به صورت غیر مستقیم، یعنی از طریق تقویت ایمان و تقوا و یقین برای آحاد جامعه و چه به صورت مستقیم، یعنی از طریق تعیین رویه معاشرت و برخورد با دیگران و مسائل و حوادث پیرامونی زندگی، الگوهای رفتاری لازم در این حوزه را ارائه کرده و توان ساختن فرهنگ عمومی جامع و نورانی را فراهم آورده است. در این بخش از سیره نبوی، می‌توان به الگوها و مدل‌های رفتاری و گفتاری متعددی درباره نحوه برخورد با هم نوعان و ایجاد روابط پایدار انسانی دست یافت؛ از جمله اینکه می‌توان به تنظیم روابط میان انسان‌ها با یکدیگر اشاره کرد. بخشی از این مسائل، در حیطه مسائل اخلاقی قرار می‌گیرد و بخشی در حوزه مسائل فقهی. نمونه‌هایی از قبیل سبقت جوئی در خیر، میانه روی، وفای به عهد، کظم غیظ، صابر و صادق بودن و ویژگی‌هایی از قبیل تواضع، تجسس نکردن در زندگی خصوصی افراد، پرهیز از غیبت و تهمت، عفو و گذشت، خیرخواهی، خوش رفتاری، مقاومت در برابر

ظالمان، دفاع از مظلومان، بزرگداشت پدر، مادر، کودک، زن و شوهر و... رعایت انصاف و عدل، کمک به مستمندان و یتیمان و... ارزش دانستن کار، رعایت بهداشت و... فرهنگ اعم از فقه و اخلاق است.

ب. فرهنگ تخصصی و سیره نبوی: فرهنگ تخصصی عبارت است از توافقیها و پذیرش‌های اجتماعی که بر خلاف فرهنگ عمومی، محدود به معدودی از افراد جامعه است که دارای سطح تحصیلات و سواد عالی‌تری هستند (پیروزمند، ۱۳۸۶: ۹۸). مجموعه اطلاعات تخصصی در کل، فرهنگ تخصصی جامعه را تشکیل می‌دهد و در مجموع، امکان پاسخگویی به مشکل‌ها و معضله‌ها و ناهنجاری‌های پیچیده‌تر جامعه را فراهم می‌کند. تاثیر سیره نبوی در فرهنگ تخصصی نیز، هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم جریان دارد. تاثیر مستقیم به صورت آموزه‌های تخصصی سیره نبوی، در حوزه اطلاعات تخصصی و تاثیر غیر مستقیم، به واسطه علم صورت می‌پذیرد. بدین معنا که آنچه فرهنگ تخصصی را می‌سازد علم است و به اصطلاح، علم فرهنگ ساز است؛ زیرا توافقات را می‌آفریند و معیار ارزش‌گذاری و تعیین هنجار و ناهنجار در جامعه می‌شود. با این حساب، بررسی نسبت سیره نبوی و فرهنگ تخصصی، نیازمند تبیین نسبت سیره نبوی و علم است.

نسبت علم و سیره نبوی در چند سطح درخور ارائه و بررسی است. در یک نگاه، تاثیر سیره نبوی در علم، از طریق ترغیب به علم‌اندوزی و توصیه برای کسب و نشر علم، در سیره علمی و عملی پیامبر اکرم(ص) به وجود می‌آید. از نظر سیره نبوی، برای فرا گیرنده علم و پیشه، هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی تصور کردنی نیست و قلمرو موضوعی و جوب تعلم نیز مختص به دانش‌ها و پیشه‌های دینی نیست؛ بلکه هر دانش و پیشه‌ای که حفظ نظام جامعه مسلمان بر آن

متوقف باشد، واجب است. روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) درباره کسب علم و دانش مانند «طَلَبُوا الْعِلْمَ لَوْ بِالصَّيْنِ»^۷ (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷)، «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»^۸ (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۸) و «طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا أَنْ أَلَّه يُحِبُّ بَغَاءَ الْعَامِ»^۹ (کلینی، ۱۳۸۶: ۷۰/۱)؛ همچنین سیره عملی منقول از آن حضرت، در برتری دادن اجتماع علمی بر جمع‌های دیگر، از جمله این نمونه‌هاست: روایت است که پیغمبر (ص) در مسجد خود، بر دو مجلس گذشت و فرمود: هر دو خوب است و یکی بهتر است؛ چرا که آنان دعا می‌کنند و خدا را می‌خوانند، اگر بخواهد بر ایشان عطا می‌کند و اگر بخواهد منع می‌کند؛ اما اینان علم دین می‌آموزند و به جاهل می‌آموزانند و من معلّم مبعوث شده‌ام. پس حضرت در حلقه اهل علم نشست (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶۳/۱). در سیره نبوی، در جغرافیای علم، چندین محدودیت از بین رفت: محدودیت علم آموزی از نظر زن بودن و مرد بودن (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۷۷/۱)، محدودیت مکانی (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷) و محدودیت زمانی (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۱۸). این اتفاق‌ها درباره علم، سبب شد تا مسلمانان با همت و سرعت بی‌ظنیر، به جست‌وجوی علم در همه جهان پردازند و یکی از باشکوه‌ترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخ بشر را بیافرینند. از نگاهی دیگر، شاید بتوان تاثیر گذاری سیره نبوی بر علم را از زاویه جامعه‌شناسی علم به دست آورد. از زاویه جامعه‌شناسی علم، سیره نبوی از طریق بایدها و نبایدها و نیز حدود و صغور و شیوه‌ای که برای زندگی آدمی ارائه می‌کند، در هدف‌ها و انگیزه‌ها و قصدهای اندیشمندان و دانشوران مسلمان، تصرف کرده و می‌تواند در تعیین سرنوشت علم اثر گذارد. به عبارت دیگر، تولید علم از انگیزه‌ها و نیازهایی پیروی می‌کند که اگر آن‌ها را با یکدیگر پیوند

زنیم، نظام انگیزه‌ها و نیازمندی‌ها مقابل ما قرار خواهند گرفت. از طرف دیگر، منشاء این انگیزه‌ها و نیازها نیز از بایدها و نبایدها و حدود و صغور احکام اسلامی برآمده از وحی و سنت است (پیروزمند، ۱۳۷۶: ۸۹). با توجه به تعاریف و مصادیقی که برای فرهنگ عمومی و تخصصی بیان شد، ارتباط بین این دو فرهنگ نیز روشن می‌شود؛ همچنین، با تبیین نسبت هر کدام از این دو با سیره، میزان تاثیرگذاری سیره نبوی در نظام فرهنگی و الگوهای رفتاری ارائه شده توسط آن در این حوزه و در این نظام، مشخص می‌شود. سیره نبوی با آموزه‌ها و احکام مختلف خود، آینه تمام‌نمای فرهنگ عمومی و تخصصی (نظام فرهنگی) است.

سیره نبوی و احکام نظام سیاسی (الگوهای رفتاری سیاسی)

بی‌گمان نظام سیاسی و الگوهای رفتاری در حوزه اداره فرد و جامعه، از ارکان و اصول بنیادی یک تمدن به شمار می‌آید؛ چه اینکه به لحاظ عملی، مشکل بتوان زندگی جامعه بشری را بدون نظام سیاسی و الگوهای رفتاری مطلوب، در حوزه سیاست تصور کرد. نظام سیاسی نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادها بوده بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها و الگوهای رفتاری خاصی است که منحصراً مدنیت خوانده شده و در واقع، از اساسی‌ترین اجزای هر تمدن محسوب می‌شوند. می‌توان گفت نظام سیاسی در قسمت عمده‌ای از زندگی بشر نفوذ و رخنه می‌کند و اصولاً زندگی انسان‌ها، در درون نظام سیاسی آغاز می‌شود و پایان می‌پذیرد (فیرحی، ۱۳۸۲: ۱). نظام سیاسی در سیره نبوی، بر مبنای هدفمندی‌های کلی شریعت و با توجه به اصل امامت، مفهوم می‌یابد. این نظام بر این اصل مبتنی است که امام به عنوان شاخص کلی در نظر گرفته می‌شود و با توجه به وظیفه و رسالتی که دارد،

جامعه دینی را که همان امت است، سمت و سو می‌دهد. اگر نظام سیاسی اسلامی را مجموعه‌ای از عوامل و عناصر و الگوهای رفتاری متداخل، در راستای مدیریت جامعه اسلامی بدانیم (نوایی، ۱۳۸۱: ۱۵۵) و آنگاه به باز پژوهی سیره نبوی بپردازیم، به روابط وثیق این دو پی خواهیم برد. چه اینکه سیره نبوی، سیره‌ای مشحون از الگوهای اداره نظام معاش و معاد و عجین با سیاست و حکومت است و پس از هجرت پیامبر اکرم(ص) به مدینه النبی و تشکیل حکومت اسلامی، غالب حرکات و سکنات و اقدامات حضرتش بر اساس نظام سیاسی و حکومت و تشکیلات در جریان بود. رصد آموزه‌های سیره نبوی، بیانگر آن است که بخشی از آموزه‌های سیاسی سیره نبوی، در قامت چارچوب‌های نظام سیاسی و الگوهای رفتار سیاسی ظاهر شده و ناظر به وضعیت اداره جامعه بشری، حکومت، حاکمیت، مسئولیت‌های حکومتی، حل تخاصم‌های اجتماعی، برقراری امنیت، قوای اجرایی، ترویج عمومی اسلام و ارتباط با دول و ملت‌های دیگر و مسائلی از این دست است. در واقع، پیامبر اسلام(ص) پس از ورود به مدینه، حکومتی تشکیل دادند که همچون هر نظام سیاسی دیگری، در دو بخش اصول سیاست داخلی و اصول سیاست خارجی (شکوری، ۱۳۷۷: ۱۱۵) به تدبیر امور سیاسی می‌پرداخت (جمعی از نویسندگان، سیره سیاسی پیامبر اعظم: ۱۳۸۶).

الف. اصول سیاست داخلی و سیره نبوی: مقصود از اصول سیاست داخلی، الگوهای رفتار سیاسی مربوط به داخل جامعه اسلامی و در ارتباط آحاد جامعه اسلامی با یکدیگر از یک سو و با حکومت از سوی دیگر است؛ همچنین، اجرای احکام و برقراری نظم و انضباط اجتماعی و... از جمله اصول سیاست داخلی است (شکوری، ۱۳۷۷: ۱۱۶). نقش و تأثیر سیره نبوی

در سیاست داخلی، همه جانبه است. با رصد وظایف هر کدام از طرفین حکومت و رعیت و نیز، بررسی قوانین و الگوهای رفتاری و الزام آحاد جامعه به رعایت و اجرای آن‌ها در سیره نبوی، می‌توان به الگوهای رفتاری متنوعی در حوزه سیاست داخلی دست یافت. وجود آموزه‌های ریز و درشت امور سیاسی و اجتماعی و نیز نقش حاکم و حکومت در امور خرد و کلان جامعه در سیره نبوی، از استعداد آن برای استخراج الگوهای رفتار سیاسی در حوزه سیاست داخلی نشان دارد. از جمله اصول سیاست داخلی در سیره نبوی، به نمونه‌های ذیل می‌توان اشاره کرد: اصل اعمال و احیای شعائر دینی و مکتبی؛ اصل برابری و برادری اعضای جامعه و عقد پیمان اخوت میان مسلمانان؛ اصل لزوم رعایت حقوق مردم در برابر یکدیگر، حقوق مسلمانان با غیر مسلمانان و بالعکس؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ اجرای حدود؛ مرابطه؛ سبق و رمایه و... . پیامبر اکرم(ص) به محض ورود به مدینه، قبل از هر کاری، به تاسیس مسجد، به مثابه پایگاه اداره سیاسی و نظامی جامعه (دارالحکومه) و نیز مرکزی برای انجام و احیای شعائر و عبادات دینی و مدرسه‌ای برای آموزش‌های دینی و مکانی برای قانون گذاری اقدام کردند. در ادامه، ایشان با تدوین سندی که به مثابه قانون اساسی بود، به نظم دهی امور داخلی جامعه اسلامی و ارتباط میان مسلمانان با خود و نیز با دیگر گروه‌های مذهبی، مانند یهودیان، پرداختند. در این سند، قوانین مختلف و لازم در حوزه سیاست داخلی جامعه اسلامی تبیین و در اختیار مردم قرار گرفت (ابن کثیر، بی‌تا: ۳/ ۲۲۴ تا ۲۲۶).

ب. اصول سیاست خارجی و سیره نبوی: سیاست خارجی نیز از اصول و الگوهای رفتار سیاسی حاکم بر روابط جامعه و حکومت اسلامی با دیگر کشورها و جوامع مسلمان و غیر مسلمان است (شکوری، ۱۳۷۷:

اعطای امتیازهای سیاسی و شناسایی دولت‌های محلی؛ ۴. تهدید و قاطعیت پیامبر و نیروهای ایشان در برخورد با دشمنان (سجادی، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

سیره نبوی و احکام نظام اقتصادی (الگوهای رفتار اقتصادی)

در میان مسائل ضروری جامعه، اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و یکی از مهم‌ترین سازه‌های تمدنی، نظام اقتصادی است. اهمیت اقتصاد و نظام اقتصادی برای آحاد جامعه، به علت درگیری روزمره و ملموس آن‌ها با مسائل و امور اقتصادی است. در حقیقت زندگی اجتماعی انسان‌ها، بدون یک نظام اقتصادی شکوفا و رشد یافته و الگوهای رفتار اقتصادی صحیح بسی دشوار است. اقتصاد بیمار و فقدان نظام اقتصادی سالم و الگوهای رفتاری صحیح در این حوزه، زمینه را برای نابودی ارزش‌های اخلاقی و حاکمیت فساد و فحشاء و جرم و جنایت و در نهایت، اضمحلال هر تمدن مهیا می‌کند. اصولاً برای هر تمدن، پیمودن مسیر تکامل و رسیدن به کمال مطلوب، بدون مهیا بودن نظام اقتصادی مستحکم و الگوهای رفتار اقتصادی صحیح، غیر ممکن به نظر می‌رسد (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در سیره نبوی نیز به نظام معیشتی و اقتصادی جامعه توجهی ویژه شده است. پیامبر اکرم (ص) از همان آغاز بعثت و به خصوص پس از تشکیل حکومت در مدینه، به منظور رفاه انسان در دنیا و آخرت، مبانی اقتصادی سالم را استوار کردند و برای رفع مشکلات اقتصادی، اقدامات گوناگونی انجام دادند. ایشان بر اساس آیه شریفه «أَنَّ الْإِنْسَانَ لِرِظْوٰمٍ كُفَّارٌ»^{۱۰} (ابراهیم، ۳۴) مشکلات اقتصادی را زاینده ضعف‌های اخلاقی و ایمانی انسان‌ها می‌دانستند. چه اینکه ظلم و بی‌عدالتی موجب سوء توزیع ثروت بوده و کفران و ناسپاسی مستلزم تنبلی و

۱۲۰). در میدان سیاست خارجی نیز سیره نبوی دارای آموزه‌های فراوان و کلانی است که می‌توان با استفاده از آن، برای تبیین چارچوب‌ها و الگوهای رفتاری گوناگون، در روابط و مناسبات جامعه اسلامی با دیگر جوامع، ساختار و ترکیب سیاست خارجی را طراحی کرد. در این بخش از سیره نبوی، امر مسلم آن است که پیامبر اکرم (ص) پس از تاسیس دولت در مدینه، به تنظیم روابط خود با سایر واحدهای سیاسی آن روز پرداختند و اهداف و اصول و نظریه خاصی را دنبال می‌کردند. سیاست پیامبر اکرم (ص) در رابطه با قوای سیاسی و دولت‌ها و جوامع بت پرست یا اهل کتاب، بر امور ذیل استوار بود: ۱. دعوت به اسلام از طریق گفتگو یا ارسال نامه یا اعزام هیئت‌های تبلیغی رسمی؛ ۲. اعلان جنگ و پیکار با دشمنان؛ ۳. انعقاد قراردادهای صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مانند پیمان حدیبیه و معاهده با یهودیان و مسیحیان نجران (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۸).

در فرآیند ارتباط و برخورد دولت پیامبر اکرم (ص) با قدرت‌های مختلف محلی و جهانی، فراز و نشیب‌های بسیاری مشاهده می‌شود که مربوط به نوع مواجهه سایر اجتماع‌ها و دولت‌ها، با نظام سیاسی تازه تاسیس مدینه است؛ هر چند رهبر بزرگ اسلام، با روش‌های ابتکاری خود، بسیاری از موانع موجود بر سر راه گسترش حاکمیت اسلامی را از میان برداشتند. علاوه بر تاکتیک‌های ابتکاری پیش گفته، عواملی از جنس عوامل ذیل نیز در موفقیت آمیز بودن سیاست خارجی پیامبر اکرم (ص) نقش بسزایی داشتند که با توجه به آن‌ها، می‌توان در دیگر حکومت‌های دینی و اسلامی، از آن‌ها الگوبرداری و استفاده کرد. این عوامل عبارت است از: ۱. تبیین جاذبه نظام سیاسی و اجتماعی اسلام که بر مبنای عدالت و برابری و ساده‌زیستی بود؛ ۲. انعطاف‌پذیری سیاست پیامبر در برابر ادیان و عقاید دیگر؛ ۳.

تکریم کارگر (حکیمی، ۱۳۸۸: ۵/۴۰۵).

۲. امر به انفاق و همنشینی با فقراء (ابن شعبه حرآنی، ۱۳۶۳: ۴۳). بدیهی است این همنشینی با فقراء، سبب می‌شد تا ناراحتی آنان درک شده و با آگاهی از نیازهای آنان، برای رفع این نیازها کوشش شود.

۳. امر به پرداخت خمس، زکات، کفارات، خراج و جذیه در راستای تحول اقتصادی و تنظیم نظام معیشتی جامعه نبوی و تعدیل اقتصادی جامعه بود (نطبری، ۱۳۵۳: ۲/۴۵۸؛ کتانی، بی‌تا: ۳۸۱/۱).

۴. نهی از احتکار و گران فروشی و کم فروشی نیز از دیگر اقدامات اقتصادی حضرتش بود. ایشان در نهی از احتکار محتکر را ملعون (کلینی، ۱۳۶۵: ۵/۱۶۵)، بدتر از دزد (حکیمی، ۱۳۸۸: ۵/۶۲۹) و ملحد در منطق کتاب خدا (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۲) معرفی کرده‌اند. همچنین، اقدامات و امر و نهی‌های فروان دیگری در زمینه‌های مختلف امور اقتصادی و تجاری از قبیل تجارات، معاملات، عقود و ایقاعات از ایشان بر جای مانده که در واقع، به مثابه الگوهای رفتاری در بخش اقتصاد تشریعی به شمار می‌آیند.

ب. اقتصاد تحلیلی در سیره نبوی: مقصود از اقتصاد تحلیلی، رفتارهای بشری در زمینه تولید و توزیع و مصرف است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۱۰). حاصل بررسی آموزه‌های نبوی در حوزه اقتصادی، به دست آمدن عناوینی مشابه با عناوین سه گانه فوق است: ۱. توزیع اولیه منابع طبیعی؛ ۲. تولید و چگونگی توزیع فرآورده‌های تولیدی؛ ۳. مصرف و تصرف در اموال.

در زمینه توزیع اولیه منابع طبیعی، در سیره نبوی، گفتنی است که یکی از اهداف مهم پیامبر اکرم (ص) در حوزه اقتصادی، هدایت انسان و پاک سازی انگیزه‌های او در مالکیت خصوصی و هماهنگی آن با مصالح عمومی اجتماعی است. به همین علت، ایشان اجازه مالکیت منابع طبیعی را به افراد نمی‌دادند و این دسته

تن آسایی و بهره برداری نکردن از منابع طبیعی است (سالم الصفار، ۱۳۸۳: ۱۵).

اولین اقدام اقتصادی پیامبر اکرم (ص)، معالجه این دو خصلت نامیمون بود و در همین راستا، با جلوگیری از انباشته شدن و تراکم ثروت در دست افراد و منع احتکار و ربا خواری، به ریشه کنی ظلم و بی عدالتی و مبارزه با ستمکاران پرداختند. ایشان با احکام و مقرراتی که برای تولید وضع کردند به درمان سستی و تن‌پروری و ناسپاسی پرداختند؛ همچنین برای تشویق به تولید و بهره‌داری از طبیعت، این حکم را صادر فرمودند: هر کسی زمینی را آباد کند، آن زمین از آن وی خواهد بود (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۲۵/۴۱۲).

در یک نگاه کلی، مسائل و موضوعات اقتصادی، با عناوینی چند بررسی می‌شوند: ۱. اقتصاد تشریعی؛ ۲. اقتصاد تحلیلی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۸).

الف. اقتصاد تشریعی در سیره نبوی: مقصود از اقتصاد تشریعی، بخشی از اقتصاد است که به صورت امر و نهی‌ها یا تفسیر و ارزیابی آن‌ها در یک مکتب ارائه شده است (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۶). با باز خوانی سیره اقتصادی پیامبر اکرم (ص)، به تعالیم و امر و نهی‌هایی بر می‌خوریم که اقتصاد تشریعی، در سیره نبوی را به منصفه ظهور می‌رسانند؛ مانند تشویق همگان به کار و تلاش، مبارزه با فقر، تشویق به انفاق، امر به پرداخت خمس و زکات و کفارات، نهی از احتکار، نهی از گران فروشی، نهی از کم فروشی، امر به اخذ خراج و جزیه و... به بیان دقیق‌تر، پیامبر اکرم (ص) با اتخاذ سیاست‌ها و امر و نهی‌های مختلف اقتصادی، درصدد رفع نیازهای اقتصادی مردم و جامعه و استقرار عدالت اقتصادی به بهترین وجه بودند. ایشان در این راستا، به اقداماتی از قبیل آنچه در ذیل می‌آید، می‌پرداختند:

۱. تایید و تشویق کار و تلاش و تعظیم کار و

هنگامی که بخل و امساک پیشه کنند، نعمت‌ها از دست آن‌ها گرفته می‌شود و به دیگری داده می‌شود» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۵۲/۵۷).

در زمینه مصرف نیز گفتنی است که پیامبر اکرم (ص) تمام دوران حیات خویش را با زهد و قناعت و خودداری از اسراف و تبذیر گذرانید. ایشان همواره مسلمانان را تشویق می‌کردند که اموال اضافه بر نیازهای معقول و مشروع خود را در راه خدا انفاق کنند. علاوه بر این، پیامبر اکرم (ص) آیین تعهد و تضامن اجتماعی را در جامعه اسلامی برقرار کردند و بر همه مسلمانانی که استطاعت مالی داشتند واجب کردند که نیازهای تهیدستان را برآورده کنند و به فقیرانی که توانایی کار ندارند، رسیدگی کنند. ایشان با پرورش روحی و تقویت عقاید و باورهای آحاد امت، پشتوانه مناسبی برای این دستور فراهم آوردند؛ بدین گونه آن رسول گرامی توفیق یافتند تا انگیزه‌های انسان را از مسیر رقابت و مسابقه تب آلود، برای تامین و اشباع خواسته‌های مادی و گرایش‌های طغیان آمیز، به احساس مسئولیت و نگرانی‌های بزرگ و مقدس ناشی از احساس جانشینی خدا بر روی زمین متحول سازند تا هماهنگی و تعادل فرد و جامعه، ملت و دولت و نیز دنیا و آخرت برقرار شود (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

خلاصه اینکه سیره نبوی در بخش‌هایی همچون تشویق به کار، تولید، توزیع و نیز بخش‌هایی که مربوط به مصرف درست و نهی از اسراف و تبذیر است، به الگوهای رفتاری مربوط به اقتصاد تحلیلی دقت و توجه کرده است. اصولاً در سیره نبوی، مقوله تجارت و زراعت و سرمایه گذاری‌های تولیدی و اموری از این دست، اهمیت ویژه‌ای داشته است و الگوهای رفتاری فروانی در زمینه این مقوله‌ها وجود دارد؛ چنان‌که مراجعه به منابع اشاره شده، گواهی بر صحت این ادعاست.

از اموال را جزو اموال عمومی و دولتی یا از مباحات عمومی می‌دانستند که هیچ کس در بهره برداری از آن بر دیگری امتیازی نداشت. در همین زمینه، ایشان رسم حمی، یعنی تصرف منابع طبیعی با زور و منع دیگران از استفاده از آن را برانداختند؛ زیرا حمی را نوعی از احتکار، در ناحیه حیات می‌دانستند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۸/۱۰۰۶). پیامبر اکرم (ص) تنها احیاء را موجب پیدایش حق می‌دانستند: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا فُهِوْ لَهُ» (حرّعاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۲/۲۵).

در سیره نبوی، درباره تولید و توزیع نیز اهتمام و تاکید فروانی شده است. از باب نمونه، ایشان تولید کننده و کسی را که به بازار مسلمانان کالایی ارائه می‌کند مانند کسی می‌دانستند که در راه خدا جهاد می‌کند (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۳۲). اما با توجه به شأن و جایگاه آدمی در خلقت، تولیدی را مجاز می‌دانستند که با مقام و منزلت وی در تعارض نباشد. از نظر سیره نبوی، شکل‌ها و روش‌های تولید و روابط ناشی از آن، باید با کرامت انسان و حقوق طبیعی او و ارزش‌های معنوی هماهنگ باشد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ای گروه بازگانان! سرتان بلند کنید، راه برای شما روشن است. همه شما در روز قیامت به عنوان فاسق و خیانتکار برانگیخته خواهید شد، مگر آن کسی که در تجارت راستگویی پیشه کرده باشد» (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۵/۱۲).

در سیره نبوی، تولیدی ارزش دارد که در راستای نیازهای واقعی جامعه و آحاد آن باشد، نه نیازهای کاذب و تولیدات بی‌فایده که فقط جنبه سودجویی و جذب سودهای کلان را دارد و به هیچ یک از نیازهای واقعی افراد پاسخ نمی‌گوید. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «خدای تعالی بندگانی دارد که به آن‌ها نعمت بخشیده و تا آن زمان که بذل و بخشش داشته باشند نعمت‌ها در دست آن‌ها باقی خواهد بود و

حاکمیت (حقوق عمومی داخلی)؛ روابط دو حاکمیت (حقوق بین‌الملل عمومی) (قنوتی، ۱۳۷۷: ۶). در یک تقسیم بندی جزئی تر و دقیق تر، اقسام و اجزای نظام حقوقی عبارت است از: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق کار، حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق جزا، حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۳۰).

حقوق اساسی در سیره نبوی

مقصود از حقوق اساسی، مباحثی از قبیل: حاکمیت، عوامل ساختاری دولت-کشور، منشاء قدرت سیاسی، ماهیت رژیم سیاسی، نظریه تفکیک قوا، طبقه بندی رژیم‌های سیاسی، قوای مقنن، طریقه قانون گذاری، حقوق فردی و آزادی‌های عمومی و... است (قاضی، ۱۳۸۰: ۳۱۰/۱). در سیره نبوی، سابقه این بخش از حقوق و نیز حقوق اداری، بیش از سیره دیگر معصومان نمود و ظهور دارد. علت آن نیز طولانی بودن مدت حکومت پیامبر(ص)، در مقایسه با حکومت امیرالمومنین و امام حسن و دیگر معصومان(ع) است. از طرف دیگر، طبیعی است که نقطه آغاز این بخش از حقوق، به مباحث تشکیل حکومت توسط پیامبر اکرم (ص) و مسائل بعد از آن باز می‌گردد.

حقوق اداری در سیره نبوی

حقوق اداری یکی از رشته‌های حقوق عمومی است که درباره اشخاص اداری، چگونگی تشکیلات و سلسله مراتب در آن‌ها، مسئولیت وزارتخانه‌ها و نهادها و سازمان‌های دولتی و... بحث می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۳۰). موضوعات و مسائل حقوق اداری، اغلب بحث درباره قوانین شکلی و اجرایی است و طبق قاعده در بخش‌هایی از سیره نبوی،

سیره نبوی و احکام نظام حقوقی (الگوهای رفتار حقوقی)

حقوق مجموعه مقرراتی است که بر اشخاص، از آن نظر که در اجتماع‌اند، حکومت می‌کند (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۵/۲). نظام حقوقی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری منسجم و هماهنگ و مرتبط است که بر اساس مبانی ویژه، در راستای انسجام بخشی اجتماعی، در قالب روابط گونه گون انسان‌ها با یکدیگر و انسان‌ها با حاکمیت‌ها و تضمین حقوق طرفین تنظیم می‌شود. با توجه به تعریف نظام حقوقی، جایگاه ویژه آن در جغرافیای تمدن و نیز در میان نظام‌های اجتماعی ضروری تمدن، خودنمایی می‌کند (مشکانی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). از طرف دیگر، حقوق اسلامی که در قامت فقه برآمده از منابع اسلامی، یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع، خود را به نمایش گذاشته است، از تمامی خصایص و ویژگی‌های یک نظام برخوردار است و بر خلاف انگاره برخی، مجموعه دستورهای پراکنده و گسسته نیست که بر حسب وضعیت شخص یا گروه خاصی اتخاذ شده باشد؛ بلکه مجموعه قوانین و الگوهای رفتاری یکپارچه و منسجمی است که بر قواعد عام و اصول کلی استوار است و قوانین و احکام به طور کلی، مصادیق جزئی و نمونه‌های خاص آن قواعد مبنایی و اساسی محسوب می‌شوند (قنوتی، ۱۳۷۷: ۶).

«روابط انسان» که موضوع اصلی حقوق بوده، به دو گونه است: روابط انسان با خدا و روابط انسان با انسان‌های دیگر. روابط انسان‌ها با یکدیگر نیز اقسام مختلفی دارد که هر کدام در ذیل بخش‌های مختلف نظام حقوقی می‌گنجد: روابط دو انسان در یک جامعه (حقوق خصوصی داخلی)؛ روابط دو انسان در دو جامعه (حقوق بین‌الملل خصوصی)؛ روابط انسان با

همچون وظایف مستخدمان دولت و عزل و نصب امراء و وزراء مطرح است؛ همچنین مباحث امور حسبه نیز از جهاتی مربوط به حقوق اداری است. نحوه عملکرد پیامبر اکرم (ص) در اموال دولت و معاملات دولتی، از دیگر موضوعات دخالت سیره در حقوق اداری است. علاوه بر آن، نقش سیره در همه موضوعات حقوق اداری به عنوان محکی برای تعیین مخالفت با شرع کار ساز است که البته در این صورت، این نقش سیره نبوی درخور تسری در همه ابواب حقوق است. خلاصه اینکه در بخشی از مباحث و مسائل حقوق اداری، سیره نبوی به عنوان محک و معیار نقش آفرینی می‌کند و بخشی‌هایی از حقوق اداری نیز از سیره نبوی استخراج می‌شود.

حقوق کار در سیره نبوی

حقوق کار بنا بر دیدگاه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف، به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. در تعریفی درباره حقوق کار می‌خوانیم: «حقوق کار بر همه روابط حقوقی ناشی از انجام کار برای دیگری حاکم است. مشروط بر اینکه اجرای کار با تبعیت یک طرف نسبت به طرف دیگر همراه باشد» (میراحمدی زاده، ۱۳۸۰: ۵۷).

در سیره نبوی، آموزه‌های مختلفی درباره حقوق کار وجود دارد. آموزه‌هایی درباره جواز اجیر شدن و اجاره دادن، آداب انتخاب کارگر، تعیین مزد کارگر، پرهیز از ستم به کارگر، تأخیر نکردن در پرداخت مزد کارگر، مانع نشدن کارفرما از انجام واجبات توسط کارگر و نمونه‌هایی از این قبیل. درباره جواز اجیر شدن منقول است که پیامبر اکرم (ص) در دو سفر، در مقابل دریافت یک ماده شتر جوان، اجیر حضرت خدیجه (س) شدند و برای ایشان به سفر تجاری رفتند (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۵/۱۳). از جمله حقوق کار، تعیین مزد کارگر است. سیره پیامبر اکرم (ص) در این زمینه این بود که قبل از انجام کار توسط کارگر، مزد

او را به اطلاعش می‌رسانند. ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر خدا (ص) از گرفتن اجیر، بدون آن که مزدش تعیین شود، نهی فرمود (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۶/۱۳). نتیجه این اطلاع رسانی آن بود که کارگر اگر می‌خواست رضایت می‌داد و کار می‌کرد و اگر نمی‌خواست کار نمی‌کرد و این گونه حقوقش ضایع نمی‌شد (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۶/۱۳). از دیگر حقوق کار، در سیره نبوی، پرهیز از ستم و اجحاف در حق کارگر است. در سیره پیامبر اکرم (ص) ستم روا داشتن بر کارگر گناه کبیره قلمداد شده است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۶/۱۳). از دیگر حقوق کار، تأخیر نکردن در پرداخت مزد کارگر است. نپرداختن تمام حقوق کارگر یا بخشی از آن یا نپرداختن به موقع آن، ظلم به کارگر شمرده شده است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۶/۱۳). مانع نشدن کارفرما از انجام واجبات و عبادات توسط کارگر، از دیگر حقوق کار در سیره پیامبر اکرم (ص) است (ری شهری، ۱۳۸۶: ۳۷/۱۳).

حقوق مدنی در سیره نبوی

حقوق مدنی شامل الگوهای رفتاری مالی و خانوادگی افراد یک جامعه با یکدیگر است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۵۳). بخشی از مباحث مطرح در حقوق مدنی عبارت است از: اموال و تقسیم آن به منقول و غیر منقول، مالکیت، حق انتفاع، اسباب تملک، مباحث عقود و ایقاعات، تعهدات، شرایط متعاملین، قواعد عمومی معاملات و قراردادهای مباحث ضمان، غصب، اتلاف، مزارعه، مضاربه، جعاله، شرکت، مباحث احوال شخصیه مانند نکاح، طلاق و غیره. در میان همه بخش‌ها و باب‌های حقوق، می‌توان گفت حقوق مدنی در هر کشور و نظامی، بیشترین رابطه و هماهنگی را با شرایع الهی و دستورهای آسمانی داشته است؛ چه اگر قرار باشد دین برای ارتباطات اجتماعی مردم دارای دستور و قانون و الگوی رفتاری باشد، اولین صحنه بروز و ظهور آن تنظیم همین روابط شخصی است که نمود قوی آن در حقوق مدنی است. نقطه عطف و حساس در

و تجارت با مضطر نهی فرمودند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۷: ۴۵/۲). همچنین حضرتش از معامله سگ، جز سگ شکاری و نیز از معامله آب زاید و نیز از ورود در دادوستد دیگران نهی فرموده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵/۴). با بهره‌گیری از آموزه‌هایی از این دست، می‌توان به الگوهای رفتاری مختلفی در حوزه حقوق تجارت دست یافت.

حقوق جزا در سیره نبوی

حقوق جزا یا حقوق جنایی، مجموع قواعدی است که بر نحوه مجازات اشخاص از طرف دولت، حکومت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۵۷). بخشی از مباحث مطرح در حقوق جزا عبارت است از تعریف جرایم و مجازات و تقسیم بندی آنها، نحوه مجازات، ادله اثبات دعوا، شرایط تحقق جرم، نحوه رسیدگی به شکایات و ده‌ها عنوان و موضوع متنوع دیگر.

در سیره نبوی مباحث فروانی در باب قضا، حدود و قصاص، تعزیرات و شهادت و اقرار آمده که با بهره‌گیری از آنها، در مجموع برای کشورهای اسلامی الگوهای رفتاری در حوزه جزای اسلامی فراهم شده است. در سیره پیامبر اکرم(ص)، درباره حقوق جزا و قضا اقوال و روایات فروانی وجود دارد. برای نمونه از امّ سلمه، همسر پیغمبر، روایت شده است که پیغمبر(ص) فرمودند: «همانا من بشری هستم و شما داوری نزد من می‌آورید و چه بسا یکی از شما در حجت زبان‌آورتر از دیگری باشد؛ پس من بر اساس آنچه می‌شنوم قضاوت می‌کنم. در این میان، اگر حق کسی به دیگری برسد و آن را بگیرد، بداند که قطعه‌ای از آتش را برده است.» سیوطی می‌گوید: پیغمبر(ص) حکم باطن نیز داشت، چنان‌که حکم به ظاهر می‌کرد و حکم به ظاهر پیغمبر، گاه در مسائل قضایی و گاه در

میان بحث‌های حقوق مدنی، مباحث احوال شخصیه بوده که جایگاه ویژه‌ای در اثر پذیری از شرایع الهی داشته است. مروری اجمالی بر سیره نبوی، از صدر تا ذیل، ما را به این واقعیت می‌رساند که سیره نبوی، آینه تمام‌نمای حقوق مدنی است و با هدف قرار دادن آن، می‌توان به مجموعه‌ای مدون و کامل از حقوق مدنی نبوی دست یافت.

حقوق تجارت در سیره نبوی

مجموع قواعدی که بر روابط تجار و اعمال تجاری حکومت می‌کند حقوق تجارت نامیده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۵۴). در سیره نبوی، تجارت به عنوان یکی از راه‌های کسب حلال برشمرده شده و بر اهمیت و ارزش و آثار تجارت تاکید شده است. به علاوه، آداب و حقوق گوناگونی برای تجارت ذکر شده است؛ از قبیل خدا محوری، آسان‌گیری، پذیرش پشیمانی خریدار، صداقت، دعا به هنگام تجارت، پرهیز از رفتارهای ناپسند در تجارت و نیز لزوم پرهیز از برخی معاملات (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲۸۷/۱؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۱/۵). لزوم صداقت در تجارت نیز از دیگر تأکیدات آن حضرت است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۳/۵).

درباره دعا به هنگام تجارت نیز می‌فرمایند: مسلمان هنگام معامله با مسلمانی دیگر بگوید: «اللهم خّرلی و له»، خدایا خیرخواه من و او باش! (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۳). درباره لزوم پرهیز از رفتارهای ناپسند نیز می‌فرمایند: سودبردن برادران دینی در تجارت از جوانمردی نیست (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۳/۵)؛ همچنین می‌فرمایند: کسی که می‌خواهد کسبش پاک باشد در تجارت فریب ندهد (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۵۳/۵). درباره پرهیز از برخی معاملات نیز سفارش‌هایی کرده‌اند؛ مانند فروش سلاح در فتنه (بیهقی، بی‌تا: ۳۲۷/۵). امام رضا(ع) می‌فرمایند: «رسول خدا(ص) از معامله غرری

حقوق بین‌الملل در سیره نبوی

حقوق بین‌الملل رشته‌ای از حقوق است که از روابط دو یا چند دولت بحث می‌کند. اصطلاحات حقوق عام خارجی، حقوق عام ملل، حقوق دولتی عام نیز در همین معنا به کار رفته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۳۲). برخی از مباحث مطرح در این شاخه از حقوق عبارت است از: معاهدات بین‌المللی، دادگستری‌های بین‌المللی، حقوق دریاها، مرزهای جغرافیایی، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی و... چنان‌که ملاحظه می‌شود حقوق بین‌الملل، در مقایسه با دیگر شاخه‌ها، از تنوع و پیچیدگی بیشتری برخوردار است و هم اکنون نیز، روز به روز در حال گسترش و تکامل است.

مقصود از حقوق بین‌الملل در سیره نبوی، دیپلماسی پیامبر اکرم (ص) و فعالیت‌ها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و سفیران برگزیده او در راستای انجام وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام، در عرصه روابط بین‌الملل انجام داده‌اند. در حقیقت، اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی بود که دیپلماسی پیامبر (ص) را معین می‌کرد و جهت می‌بخشید. اگر دیپلماسی را هنر مذاکره و وسیله‌ای کاربردی، در راستای نیل به اهداف بدانیم، دیپلماسی پیامبر (ص) می‌تواند الگوی برتر در این زمینه باشد. چون شیوه‌های حضرت بر جهان‌بینی واقع‌بینانه و اصول و ارزش‌های انسانی متکی بوده و خاستگاه الهی داشته است.

در واقع، زیربنای دیپلماسی پیامبر (ص) رساندن پیام انسان ساز وحی به همه ملت‌ها در همه زمان‌هاست. پیامبر گرامی (ص) تلاش می‌کردند از طریق تبلیغ اصول و احکام اسلامی، جامعه بشری را به وحدت، تعاون، تفاهم و زندگی بر اساس وجوه مشترک هدایت کنند و

سیاست و حکومت و گاه در فتوا بود. در کتاب «السیره الشامیه» عناوین احکام و قضاوت‌های پیامبر اکرم (ص) آمده که منظور ذکر سیره آن حضرت در احکام جزئیه است که میان دو خصم داوری فرموده‌اند؛ مانند حکم در احکام به صورت مراسله، تحذیر پیغمبر از قضاوت (تأکید بر دقت)، نهی از قضاوت در حال خشم و گرسنگی، نصیحت دو طرف اختلاف، حبس متهم، همراهی بدهکار با طلبکار، تبعید اهل ریه، درباره مجذومان و تبهکاران، در تعیین حکم، در محجور کردن مفلس، در معاملات، حکم و قضاوت پیغمبر در وصیت و تقسیم ارث، احکام پیغمبر در نکاح و طلاق و خلع و رجوع و ایلاء و لعان و الحاق ولد و غیره؛ نیز در حدود و تعزیرات نهی، جلوگیری از اجرای حدود در مساجد، درباره کسانی که حد ندارند، چگونگی جاری شدن حد بر آدم ضعیف؟ حکم کسی که مستوجب حد است در صورت بازگشت از انکار یا اقرار؟ جاری نشدن حد بر کسی که اقرار نکرده یا جرمش را به یاد ندارد، حکم مرتد و محارب، حکم زانی، حکم مُکرَه (کسی که بر انجام خلاف شرع وادار شده)، حکم سفیه، حکم کسی که با زن پدرش ازدواج کرده، کسانی که پیغمبر بر ایشان حد جاری کرد، حکم لواط، حد قذف، حد سرقت، حکم مست، در جنایات و قصاص و دیات و جراحات، در دعاوی و بینات و خصومات، در قضایای پراکنده غیر از آنچه گذشت، در فتاوی امور دینی، در فتاوی امور معاش، در فتاوی بیوع و معاملات، فتاوی در لقیط، لقطه، هبه، هدیه و وصیت، در فرایض و موارث، در آزاد کردن برده، در سوگند و نذر، در صید و ذبیحه، در نوشیدنی‌های حلال و حرام، در امارت، در جهاد و جنگ، در حب فی‌الله و مردم داری، در بیماری و طب، در تفسیر و... (ذکاوته، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

نظام تربیتی، مجموعه‌ای از مفاهیم و الگوهای رفتاری منسجم و سازمان یافته درباره تربیت است که بین آن‌ها روابط متقابل جریان دارد و به اصطلاح، از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه‌ای هستند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۷). اهمیت تربیت و نظام تربیتی در نسبت با تمدن، به مسئله تربیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه و مهیا کردن زمینه‌های موفقیت، در سایر ابعاد، باز می‌گردد. چه اینکه تمدن برآیند ساختن جامعه‌ای نمونه و مدینه‌ای فاضله، برای آسایش و رستگاری آحاد جامعه بشری به شمار می‌رود. از طرف دیگر، بخش مهمی از این هدف نیازمند تربیت صحیح فرد و جامعه بوده و این مهم بر عهده نظام تربیتی است. اصولاً تربیت به فعالیتی منظم و مستمر اطلاق می‌شود که در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعدادهای آحاد جامعه حرکت می‌کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷: ۱۲). از سوی دیگر، سیره نبوی و دیگر معصومان، به عنوان برنامه عملی زندگی آدمی، یکی از مهم‌ترین اهداف خود را تربیت انسانی و الهی آحاد جامعه قرار داده و برای وصول به این هدف، الگوهای رفتاری تربیتی مختلف و گوناگونی ارائه کرده است.

الف. اصول و مبانی تربیت در سیره نبوی: مبانی تربیت عبارت است از قانونمندی عینی و واقعی فرآیند تربیت که مربوط به هست‌هاست و از واقعیت‌های خارجی حکایت می‌کند. برخی از اصول و مبانی تربیت در سیره نبوی به طور فهرست وار عبارت است از:

تربیت روح انسان در دو حوزه بیماری‌های اعتقادی (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۹۵/۲) و بیماری‌های عاطفی (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۴۷/۳) بررسی می‌شود. تزکیه نفس و کاشتن باورهایی که میوه آن تزکیه نفوس و تعادل

انسان‌ها را از ظلم و تعدی به همدیگر باز دارند. دیپلماسی و حقوق و روابط بین‌الملل، در حکومت پیامبر اکرم، آخرین سفیر الهی، تجلی خاصی دارد. تاریخ نمونه‌هایی از رفتار دیپلماسی حضرت را ثبت کرده است. ایشان در مدت حکومت خویش، سفیران متعددی را نزد سران دیگر کشورها فرستادند و سفیرانی از کشورهای دیگر به حضور پذیرفتند. ایشان در اعزام یا پذیرش سفیر نیز، تشریف‌های خاصی را رعایت می‌کردند. بدون شک، سیره آن حضرت در زمینه روابط بین‌الملل و حقوق دیپلماتیک، شامل نکات ارزنده بوده و الهام‌بخش است. با رصد سیره نبوی، در حوزه حقوق بین‌الملل، گاه به قواعد عامی بر می‌خوریم که در حقوق بین‌الملل وجود دارد؛ همچون ایفای به عهد و عقد، جبران خسارت، تعدی نکردن به حقوق دیگران و... که به عنوان الگوهای رفتاری، در حوزه حقوق بین‌الملل، در سیره نبوی جایگاه خاصی دارند. این بخش از سیره، در زمان وجود حکومت اسلامی، خود را می‌نمایاند. چنان‌که در زمان پیامبر اکرم (ص)، حقوق بین‌الملل در قالب بستن پیمان و معاهده با دیگر طوایف و قبایل غیر مسلمان و کشورهای اسلامی، پذیرش و فرستادن سفیر به دیگر سرزمین‌ها، گرفتن و آزاد کردن اسیر طبق ضوابط خاص و... به عنوان الگوهای رفتاری حقوق بین‌المللی متناسب آن زمان‌ها، به منصفه ظهور رسیده است.

سیره نبوی و احکام نظام تربیتی (الگوهای رفتار تربیتی)

نظام تربیتی یکی از نظام‌های بنیادین، در زندگی اجتماعی و انسانی بوده که زمینه ساز موفقیت انسان در سایر ابعاد است. به همین علت، این نظام از جمله سازه‌های مهم تمدن به شمار آمده و نقش مهمی در جغرافیای تمدن به خود اختصاص داده است. مقصود از

پیامبر گرامی اسلام (ص) در تربیت و هدایت افراد، به فراخور موقعیت و وضعیت خاص آن‌ها، از ابزارها و روش‌ها گوناگونی بهره می‌جستند.

در سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص)، از ابزارهای مختلف و متعددی و نیز روش‌های گوناگونی استفاده شده است. برخی از ابزارهای تربیتی در سیره نبوی به شرح ذیل است:

مراقبت و محاسبه، ایجاد تحول، تکرار، به آرامی سخن گفتن، رسم شکل، استفاده از حرکت دست، بیان عملی، پرسش و پاسخ، قصه‌گویی، الگوسازی، هم نشینی، تصحیح اشتباه‌های متریان بدون ذکر نام آن‌ها، توصیه‌های واقع بینانه و راهنمایی شخصی. برخی از شیوه‌هایی که حضرت استفاده می‌کردند به قرار ذیل است: روش الگویی، روش محبت، روش تکریم شخصیت، روش تشویق و تنبیه (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۸ تا ۱۹۰). از مجموعه آنچه درباره سیره تربیتی پیامبر اکرم ارائه شد، می‌توان الگوهای رفتاری تربیتی مختلفی را استخراج و استفاده کرد.

نتیجه

سیره پیشوایان معصوم، به خصوص سیره نبوی که میراث گرانقدر مسلمانان است، در درون خود مشتمل بر مباحث و موضوعات و مبانی بسیاری است که برای ارائه سبک زندگی اسلامی و تامین الگوهای رفتاری ضروری آن لازم است.

در این مقاله، نسبت سیره نبوی و سبک زندگی، با باز پژوهی منابع و معارف سیره نبوی در غالب مباحث سیره و فرهنگ، سیره و سیاست، سیره و اقتصاد، سیره و حقوق و نیز سیره و تربیت به تصویر کشیده شد. ما به عنوان میراث دار این گنجینه ارزشمند، می‌توانیم از این ظرفیت عظیم برای استخراج الگوهای رفتاری، در حوزه‌های مختلف زندگی بشری

رفتار انسان‌هاست (ابن حنبل، بی‌تا: ۲۵۶/۵)، ایجاد عشق و اعتماد به مربی بر اساس ایمان به خدا و نبوت پیامبر اکرم (ص) (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۶۸/۲)، عمل صالح و اهمیت آن (مجلسی، ۱۳۶۲: ۸۶/۷۷)، تکلیف به اندازه توانایی متربی (متقی هندی، بی‌تا: ح ۵۳۰۹)، رعایت سطح ادراک متربی (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۸/۱)، رعایت تفاوت‌های فردی و اقشار مختلف از قبیل کودکان و بانوان (حرعاملی، بی‌تا: ۱۹۵/۱۵؛ ۷/۷۲)، نو مسلمانان و کسانی که در اعمالشان حسن نیت داشتند (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۱) و جوانمردان (متقی هندی، بی‌تا: ح ۱۲۹۸۴)، مدارای با مردم و خودداری از اندرز گویی فراوان، انتخاب موقعیت مناسب، رعایت اولویت‌ها (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۱)، تشویق به نیکوکاری (متقی هندی، بی‌تا: ح ۴۳۶۳۹)، فراموش کردن گناه گذشته متربی (متقی هندی، بی‌تا: ح ۵۸۶۹)، تذکر پاداش و کیفر الهی (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۵)، اختصاص مجازات به مخالفت‌های عمدی (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۵)، ناروایی کیفر بعد از توبه (متقی هندی، بی‌تا: ح ۱۰۷۹)، چشم پوشی از لغزش‌های مومنان نیکوکار (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۶)، انتخاب سبک‌ترین تکالیف (شیخ صدوق، بی‌تا: ۳۴۳)، خودسازی (مجلسی، ۱۳۶۲: ۸۳/۷۷)، پیگیری امر تربیت و عمل به دستورات مربی (سالم الصفار، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

ب. ابزارهای تربیتی در سیره نبوی: برای توفیق در هر امری، استفاده از ابزارهای مناسب و اتخاذ روش‌های بهینه که بتواند ما را به سادگی و آسانی در پیمودن جاده موفقیت یار و مددکار باشد از شرایط اولیه است. پیامبر اکرم (ص) پیروان خود را به اتخاذ ابزارها و روش‌های درست، در انجام کارها توصیه می‌کردند. تعلیم و تربیت برای آنکه بتواند استعداد‌های نهفته متریان را در جهت مطلوب شکوفا و آن‌ها را انسان‌هایی الهی و مفید، برای امت اسلام پرورش دهد از ابزارها و نیز روش‌های خاصی بهره می‌گیرد.

۸. زگهواره تا گور دانش بجوی.
۹. فراگیری علم بر هر مسلمانی واجب است. آگاه باشید که خداوند جویندگان علم را دوست دارد.
۱۰. همانا انسان ستمگر و ناسپاس است.

کتابنامه

- . ابن حنبل، احمد. (بی تا). مسند احمد بن حنبل، بیروت: دارالفکر.
- . ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم مقائیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- . ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار صادر.
- . پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۷). درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ج ۸، تهران: سمت.
- . پیروزمند، علیرضا. (۱۳۸۶). نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور، چاپ شده در مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- . جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران: گنج دانش.
- . جمعی از محققان، سیره سیاسی پیامبر اعظم. (۱۳۸۶). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- . جناتی، ابراهیم. (۱۳۸۹). تاریخ تحولات و کیفیت بیان فقه، قم: انصاریان.
- . حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۷۷). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- . حرانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول، قم: اسلامی.
- . ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۸۴). نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، تهران: سمت.
- . سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۸۳). دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: بوستان کتاب.

و ارائه سبک زندگی اسلامی استفاده کنیم. اما نکته اینجاست که نگاه حاکم بر این منبع ارزشمند، نگاه فردی است؛ بنابراین به همین صورت، نمی‌تواند الگوهای رفتاری ضروری سبک زندگی اسلامی را پشتیبان باشد. چه اینکه شاکله و صبغه غالب این الگوها اجتماعی بوده و نیازمند نگاه کلان و جامع و نظام‌وار است و ناگفته پیداست که مدل استنباط الگوهای اجتماعی و حکومتی، بسیار متفاوت با روش استنباط الگوهای فردی است. با این حساب، برای استخراج الگوهای رفتاری ضروری سبک زندگی از سیره، ما نیازمند نگاهی کلان و جامع و نظام‌وار، به سیره و دیگر منابع هستیم. با در انداختن طرحی نو در عرصه استنباط و اجتهاد و نگاهی حکومتی و اجتماعی به منابع و به ویژه سیره پیشوایان معصوم، بایستی به سوی استخراج الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف زندگی بشری-سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، تربیتی و دیگر نیازمندی‌های سبک زندگی اسلامی گام برداریم.

پی‌نوشت

۱. کسی که از پیامبر اطاعت کند، همانا اطاعت خداوند را کرده است.
۲. هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، آنچه آورده چیزی جز وحی نیست.
۳. تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.
۴. به طور حتم، برای شما در زندگی رسول خدا(ص) سرمشق بود.
۵. آنچه پیامبر(ص) برای شما آورده بپذیرید و آنچه از آن نهی کرده از آن خودداری کنید.
۶. دائرةالمعارف وُردلپوک می‌گوید: «فرهنگ واژه‌ای است که دانشمندان علوم اجتماعی آن را بر همه طرق (روش‌ها و شیوه‌های) زندگی اطلاق می‌کنند». (نقل از: فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص ۵۳).
۷. علم را فرا بپذیرید، و لو آنکه در چین باشد.

- . سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). مدارا و مدیریت، تهران: صراط.
- . سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۱). الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، بیروت: دارالفکر.
- . شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۷). فقه سیاسی اسلام، چ ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- . شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه، قم: اسلامی.
- . طبری، ابوجعفر. (۱۳۵۳). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ.
- . فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۳). سر آغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیردینی)، تهران: انتشار.
- . قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ ۷، تهران، دانشگاه تهران.
- . قنواتی، جلیل. (۱۳۷۷). نظام حقوقی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- . کتانی، عبدالحی. (بی تا). التراتیب الاداریه، بیروت: دارالکتب العربی.
- . کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- . مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۷۶). ایمان و آزادی، تهران: طرح نو.
- . محقق داماد، مصطفی. (۱۳۷۴). قواعد فقه، تهران: سمت.
- . مشکانی، عباسعلی. (۱۳۹۰). درآمدی بر ظرفیت‌های تمدن سازی فقه، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۳، تابستان ۱۳۹۰: ۱۴۵ تا ۱۸۱.
- . مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- . مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۶). دین و سبک زندگی، پژوهشنامه جامعه، ش ۱، بهار ۱۳۸۶: ۱۲ تا ۳۵.
- . میراحمدی زاده، مصطفی. (۱۳۸۰). رابطه فقه و حقوق، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- . نباتیان، محمداسماعیل. (۱۳۸۷). سیره سیاسی پیامبر اعظم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.